**سوره البقرة (2): آيات 6 تا 7 صفحه سوم**

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ (6) خَتَمَ اللَّهُ عَلى‌ قُلُوبِهِمْ وَ عَلى‌ سَمْعِهِمْ وَ عَلى‌ أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ (7)

**بيان‌**

\*(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا) الخ، اينان كسانى هستند كه كفر در دلهاشان ريشه كرده، و انكار حق در قلوبشان جاى‌گير گشته، بدليل اينكه در وصف حالشان مى‌فرمايد: انذار كردنت و نكردنت بر ايشان يكسان است، معلوم است كسى كه كفر و جحودش سطحى است، در اثر انذار و اندرز دست از كفر و جحودش بر ميدارد، و كسى كه انذار و عدم آن بحالش يكسان است، معلوم است كه كفر و جحود در دلش ريشه‌دار گشته.

**[مراد از الذين كفروا كدام دسته از كفارند؟]**

و اما اينكه منظور از اين كفار كدام دسته از كفارند؟ احتمال مى‌رود منظور، صناديد و سردمداران مشركين قريش و بزرگان مكه باشند، آنهايى كه در امر دين عناد و لجاجت بخرج داده، و

در دشمنى با دين خدا از هيچ كوشش و كارشكنى كوتاهى نكردند، تا آنجا كه خداى تعالى در جنگ بدر و ساير غزوات تا آخرين نفرشان را هلاك كرد.

مؤيد اين احتمال تعبير (يكسان است چه ايشان را انذار بكنى و چه نكنى) است، چون اگر بخواهيم مورد گفتگوى در اين جمله را همه طبقات كفار بدانيم، ملتزم باين شده‌ايم كه باب هدايت بكلى مسدود است، و اصلا آمدن پيامبر اسلام سودى بحال هيچ كافرى ندارد، و حال آنكه قرآن كريم ببانگ بلند بر خلاف اين گواهى ميدهد.

\*(خَتَمَ اللَّهُ عَلى‌ قُلُوبِهِمْ، وَ عَلى‌ سَمْعِهِمْ) در اين جمله سياق تغيير يافته، يعنى در اول، مهر بر دلها زدن را بخودش نسبت داده، ولى پرده بر گوش و چشم داشتن را بخود كفار نسبت داده، و فرموده:

خدا مهر بر دلهاشان زده، و بر گوشها و چشمهايشان پرده است، و اين اختلاف در تعبير مى‌فهماند كه يك مرتبه از كفر از ناحيه خودشان بوده، و آن اين مقدار بوده كه زير بار حق نمى‌رفته‌اند، و يك مرتبه شديدترى را خدا بعنوان مجازات بر دلهاشان افكنده، پس اعمال آنان در وسط دو حجاب قرار دارد، يكى حجاب خودشان، و يكى حجاب خدا، و بزودى پاره‌اى مطالب ديگر در باره اين فراز در ذيل آيه:(إِنَّ اللَّهَ لا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا)، خواهد آمد انشاء اللَّه تعالى.

اين را هم ناگفته نگذاريم كه كفر، مانند ايمان صفتى است كه قابل شدت و ضعف است، و مراتبى مختلف، و آثارى متفاوت دارد، همانطور كه ايمان اينطور است.

**[سوره البقرة (2): آيات 8 تا 20]**

(وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (8) يُخادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ ما يَخْدَعُونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما يَشْعُرُونَ (9) فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ بِما كانُوا يَكْذِبُونَ (10) وَ إِذا قِيلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قالُوا إِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ (11) أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لكِنْ لا يَشْعُرُونَ (12)

(وَ إِذا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَما آمَنَ النَّاسُ قالُوا أَ نُؤْمِنُ كَما آمَنَ السُّفَهاءُ أَلا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهاءُ وَ لكِنْ لا يَعْلَمُونَ (13) وَ إِذا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قالُوا آمَنَّا وَ إِذا خَلَوْا إِلى‌ شَياطِينِهِمْ قالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّما نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ (14) اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيانِهِمْ يَعْمَهُونَ (15) أُولئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلالَةَ بِالْهُدى‌ فَما رَبِحَتْ تِجارَتُهُمْ وَ ما كانُوا مُهْتَدِينَ (16)